

# کفته و گوئی پیشگیری از وقوع جرم توسيط قوه قضائيه



بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائيه را پیشگیری از وقوع جرم قرار داده است و همچنان که می‌دانیم، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائيه، به منظور اجرایی کردن این بند مبادرت به تنظیم لایحه پیشگیری از جرم نموده است. نظر بر این که لایحه فوق در حال بررسی در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی می‌باشد، بر آن شدیدم طی نشستی کوتاه با دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی به بررسی قسمت نخست بند پنج اصل ۱۵۶ قانون اساسی یعنی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» پرداخته و نظر ایشان را جویا شویم. آنچه می‌خواهد حاصل این نشست است:

مجلس در دست بروزی می‌باشد. اینک پرسش عده این است که از دو اقدام اخیر قوه کدام یک باشی خواسته باشد به قانون اساسی اینست؟ یعنی کدام یک از نظم حقوقی- جرم شناختی منطبق با قسمت نخست بند ۵ اصل ۱۵۶ است؟

بند یک اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائيه را مرجع رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم اعلام کرده است. از همه مهمتر، صدر این اصل تپز، قوه قضائيه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی افراد و مسؤول تحقیق پختشیدن به عدالت (قضائی، اداری و ...) اعلام کرده است. این دو مقرره اساسی در واقع ناظر به جنبه قضائی و محاکماتی قوه قضائيه است که پس از ارتکاب جرم از طریق خاطلان و مراجع قضائی مربوط وارد عمل می‌شود. لذا قوه قضائيه و نهادهای قضائی و به طریق اولی خاطلان نمی‌توانند قبل از وقوع جرم به استناد قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی مبادرت به اقدام های پیشگیرانه در سطح جامعه نمایند. چنین اقدام پا اقدام هایی خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. بدین ترتیب تازمانی که وظیفه قوه قضائيه در زمینه پیشگیری از وقوع جرم در سطح جامعه توسط قانونگذار مشخص نشده است، این قوه و نهادهای تابعه نمی-

\*تعالیٰ حقوق: منظور از قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یعنی پیشگیری از وقوع جرم در قانون اساسی چیست و قوه قضائيه راسا در این خصوص چه می‌تواند بکند؟

دکتر نجفی ابرند آبادی: در پاسخ می‌توان گفت که از یک سو، بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائيه را «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» تعیین کرده است، از سوی دیگر مقدمه قانون اساسی «پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی» را نیز بر عهده قوه قضائيه گذاردۀ است. در اجرای قسمت نخست این بند، قوه قضائيه، از یک طرف، به موجب آیین نامه ای، در پیست و سوم مهر سال ۱۲۸۲ ستاد حفاظت اجتماعی که متعاقباً در سال ۱۲۸۵ به ستاد «مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی تغییر نام یافت را در قوه قضائيه تشکیل داده است و از طرف دیگر، لایحه قانونی پیشگیری از وقوع جرم را تنظیم و تدوین نموده و از طریق دولت جهت تصویب به مجلس تقدیم کرده است که ظاهراً اکنون در کمیسیون قضائی

ماده ۳ قانون احیای دادرسها مصوب ۱۳۸۱ تحت ریاست و نظارت دادستان هستند.

در این نهادها، سازمان ها و مراجع، کارکنان زیادی در مشاغل مختلف انجام وظیفه می کنند که مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به قوه یا تحت نظرلت آن هستند و به اقتضای وظایف خود گاه به طور غیر مستقیم با شهروندان به عنوان مظنون، متهم، مجرم، شاکی، وکیل، مشاور، کارشناس، شاهد، مطلع و... سرو کار دارند. بدین سان، قوه قضاییه در شکل بخشیدن به نحوه رفتار اجتماعی مردم یا دست کم شهروندانی که به اقتضای کار یا وظیفه خود گاه سال ها با نهادهای مختلف قوه سرو کار دارند، تاثیر زیادی دارد. کارکنان نهادهای پیش گفته ممکن است تخلفات یا جرایم مرتبط با وظایف خود مرتكب شوند که بنا به ماهیت و محل ارتکاب آنها، جنبه آشکار و علني ندارند و درسطح جامعه حساسیت برانگیز نیستند. این جرایم را اصطلاحاً جرایم آپارتمانی می نامند (suite crimes) و رقم سیاه آن ها نسبت به جرایم خیابانی (street crimes) و عمومی مانند قتل، ضرب و جرح، سرقت و... زیاد است.

برخی از جرایم ناشی از انجام وظایف با مرتبط با آن ها به این شرح است:

(۱) جرایم علیه «حقوق شهروندی» افراد موضوع مواد ۵۷۰ تا ۵۸۷ قانون مجازات اسلامی

(۲) نقش منوعیت های کیفری موضوع قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۲/۲/۱۵

(۳) جرایم موضوع مواد ۵۸۸ تا ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی، در ارتباط با رشاوار اشتاء

(۴) جرم موضوع ماده ۵۹۷ که به نوعی جرم حرفة ای مرتبط با حرفة قضامحسوب می شود (امتناع از رسیدگی)

(۵) جرایم موضوع مواد ۶۰۶ تا ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی که زیر عنوان «تعذیبات مأموران دولت نسبت به دولت» آمده است

(۶) جرم موضوع ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی، در خصوص سامانه مستخدمین و مأموران دولتی در اجرای وظایف خود که منجر به فرار متهم می شود...

(۷) عدم اجرای دستور مقام قضایی توسط ضابطین، مندرج در ۲۰ و ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری

(۸) جرایم ثبتی که در قوانین خاص پیش بینی شده و توسط کارمندان ثبت قابل ارتکاب است و...

قوه قضاییه می تواند با تشکیل «ستاد یا کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم»، نسبت به پیشگیری از ارتکاب این نوع جرایم در سطح نهادها و سازمان های وابسته و یا تحت نظرلت خود مطالعه، سیاستگذاری و برنامه ریزی تخصصی کند. طبیعتاً رویکرد پیشگیرانه به جرم در این ستاد، امنیتی - سیاسی نخواهد بود، بلکه جنبه کاملاً تخصصی و صنفي خواهد داشت این ستاد با مطالعات کارشناسانه، یک سلسله اقدامات کنشی را که جنبه اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دارد، تنظیم و اعمال می کند.

بدین سان است که قوه قضاییه به استناد قسمت اول بند

توانند در سطح کلان نسبت به بزهکاری عمومی پیشگیری نمایند. همان طور که پیشتر اشاره شد؛ قوه قضاییه، در جهت تحقق وظیفه محوله در بند ۵ اصل ۱۵۶ لایحه ای را با عنوان قانون پیشگیری از وقوع جرم تنظیم کرده است. در این لایحه مدیریت پیشگیری از وقوع جرم در سطح کشور به آن قوه واگذار شده است. قوه قضاییه در واقع موظف گردیده است که با تعامل با سایر قواؤ جامعه مدنی، نسبت به پیشگیری از وقوع جرم در سطح ملی، استانی، شهرستانی و محلی، سیاستگذاری و برنامه ریزی کند و به مصوبات خود مستقلآ باز طریق قانوننگذار جنبه اجرایی و عملیاتی بدهد. با توجه به چنین رویکردی به پیشگیری از بزهکاری در لایحه، که در اینجا به چنین رویکرد خود قوه می باشد، مشخص نیست اقدام یا اقداماتی که تا کنون قوه قضاییه و نهادهای وابسته به آن به استناد قسمت نخست بند ۵ اصل ۱۵۶، انجام داده اند از چه منطق یا رویکرد تخصصی پیروی کرده است؟ به هر حال، این اقدام اخیر قوه قضاییه مبنی بر تنظیم، تدوین و تقدیم لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم به مجلس است که از نظر حقوقی و جرم شناسی پیشگیرانه، منطبق با قانون اساسی است.

اینک یک پرسش دیگر مطرح می شود. با توجه به این که فرآیند بررسی و تصویب لایحه پیش گفته که سرانجام وظیفه قوه قضاییه را از نظر پیشگیری مشخص خواهد کرد، زمان می برد، قوه قضاییه خود رأساً در خصوص پیشگیری از وقوع جرم به مجلس توافق نداشت؟

قوه قضاییه در مجموع تشکیلات گسترده ای دارد. زیرا از واحدهای مختلف و متنوعی تشکیل شده است که بعضی از آن ها رسالت قضایی و بعضی دیگر رسالت شبه قضایی یا اجرایی دارند. نهادهای تابعه قوه از یک سو، با مردم، کارشناسان، وکلاه... و از سوی دیگر با ضابطین عام و خاص قضایی تعامل و سرو کار دارند. لذا قوه قضاییه می تواند بحث پیشگیری از وقوع جرم را در سطح خود تعریف و اقدام های مناسب برای پیشگیری از جرم را در سطح نهادهای وابسته و تحت نظرلت خود، پیش بینی و اعمال کند. بدیهی است مراد ما، پیشگیری جرم شناسانه است که جنبه کنشی دارد و نه پیشگیری از تکرار جرم یا پیشگیری عام از جرم که جنبه واکنشی و کیفری دارد. قوه قضاییه از نهادهای مختلفی به این شرح تشکیل شده است:

۱- نهاد قوه قضاییه شامل حوزه ریاست و معاونت ها

۲- سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

۳- سازمان بازرگانی کشور

۴- سازمان پژوهشکی قانونی

۵- شوراهای حل اختلاف

۶- سازمان ثبت اسناد و املاک

۷- دادسراسها و دادگاه های عمومی و انقلاب

۸- دیوان عدالت اداری

۹- مشاورین، وکلاه و کارشناسان ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه

۱۰- سازمان قضایی نیروهای مسلح

۱۱- ضباطان قضایی، به این اعتبار که به موجب بند «ب»

۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در باب پیشگیری دو وظیفه بر عهده دارد:

۱-پیشگیری در سطح ملی و نسبت به کلیه جرایم، در این خصوص، قانونگذار است که با تصویب لایحه باید چند و چون(کیفیت و چگونگی) آن را تعریف و تعیین کند.

۲-پیشگیری از جرایم خاص پیش گفته در سطح قوه قضاییه و نهادهای مرتبط، که البته با تصویب لایحه قانونی پیشگیری از وقوع جرم می‌توان این وظیفه را در قالب آن قانون تعریف و اعمال کرد.

توجه به این نکته لازم است که قانون اساسی برای قوه مجریه هیچ گونه وظیفه پیشگیری از جرم پیش بینی نکرده است و قوه قضاییه به عنوان مسؤول و متولی پیشگیری، رأساً نمی‌تواند در سطح آن قوه مبادرت به پیشگیری کند. البته در صورت اصلاح قسمت نخست بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، بهتر است وظیفه مدیریت، سیاستگذاری در زمینه پیشگیری به قوه مجریه محلول شود. اما در حال حاضر، مجلس با توجه به مفاد قانون اساسی، لایحه تقدیمی را بررسی و تصویب خواهد کرد. ولی بی تردید، سازمان بازرسی می‌تواند با تکیه بر مشاهدات و تجارت خود، اقدام های پیشگیرانه از جرایم خاص را به نهادهای قوه مجریه توصیه کند.

اینک ممکن است سوال دیگری مطرح شود: قوه قضاییه در سطح نهادهای وابسته و تحت نظرارت خود چه اقدام های پیشگیرانه ای می‌تواند تعریف و اعمال کند؟

در پاسخ می‌توان به ۳ نوع پیشگیری؛ وضعی، فنی و اجتماعی- حرفة ای اشاره کرد.

(۱) پیشگیری وضعی که به دنبال کاهش فرصت ها و وضعیت هایی است که در آن ها ارتکاب جرم تسهیل یا ترغیب می‌شود. کارایی اقدام های پیشگیرانه وضعی، موقع و نایابدار است و به هر حال نقش و تأثیر مسکن را دارد.

(۲) پیشگیری فنی که به نوعی ممکن است از مصاديق پیشگیری وضعی نیز باشد. از یک سو، قوه قضاییه به موجب اصل ۱۴۲ قانون اساسی مسؤول تهیه سیاهه دارایی اعضا عالی رتبه نظام، همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از تصدی شغل مربوط است. بنابراین این قوه می‌تواند با اجرای مفید این اصل، فرصت های سو، استفاده احتمالی از موقعیت غالب را کاهش دهد. از سوی دیگر، ریس قوه، به موجب بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی مسؤول تهیه لوایح قضایی مناسب با نیازهای این قوه می‌باشد. ریاست قوه در این چارچوب می‌تواند از یک طرف، با فراهم کردن زمینه اصلاح قوانین کیفری موجود، مشکل مقررات مبهم، دو پهلو و اصطلاحاً جرم زا را رفع کند و بدین ترتیب از ارتکاب خواسته یا ناخواسته بسیاری از اعمال جرم انگاری شده جلوگیری کند و از طرف دیگر، با تهیه لوایح کارشناسانه ی کیفری به نیازهای متحول جامعه پاسخ دهد و خلاصه های تقنی کیفری را بر کند. (به عنوان مثال، جرایم مرتبط با رایانه، فضای سایبر یا فن اوری های توین اطلاعات، جرایم نوین اقتصادی و...) بدیهی است اجرای اصل ۱۴۲ اقدامی در سطح خرد اما مهم و تحقق بخشیدن به بند ۲ اصل ۱۵۸ یک اقدام در سطح کلان محسوب می‌شود.

از جمله تدابیر پیشگیرانه فنی می‌توان به اصلاح ساختار قضایی- اداری- اجرایی نهادهای مرتبط و تحت نظرارت قوه اشاره کرد.

مراد از این اصلاح، مثلاً حذف نهادهای موائز احتمالی و ایجاد انسجام و هماهنگی بین نهادهای مختلف قوه است، به گونه ای که اقدام های یکدیگر را ختنی نکنند و از قوه بازنمایی اجتماعی هماهنگ و منجمی معنکس نمایند. این اصلاح ساختاری در کیفیت گزینش و آموزش قهقات نیز قابل تصور است.

(۳) پیشگیری اجتماعی- حرفة ای: در این چارچوب باید به تقویت و پیشبرد اخلاق و رفتار حرفة ای کارکنان و به طور کلی نیروی انسانی پرداخت. بسیاری از مشاغل درون قوه یا وابسته به قوه یا تحت نظرارت آن (قضات، مشاوران و کلای ماده ۱۸۷، سر دفتران، اعضاء شوراهای حل اختلاف، ضابطان دادگستری و...) به موجب سوگند حرفة ای، متعهد به رعایت حقوق و آزادی های شهر و روستا و عدم سوء استفاده از موقعیت و قدرت در انجام وظایف حرفة ای خود شده اند. از آن جا که قوه قضاییه تجهیزان و پشتیبان حقوق و آزادی های افراد است، چنانچه اعضای این قوه که با شهر و روستا مرتبط هستند، اثبات به حقوق و کرامت انسانی آنان بی توجه باشند، در نهایت چهره و اعتبار قوه قضاییه را خواسته یا ناخواسته مخدوش می کنند. مسائل مرتبط با جرم و کیفر به نظم عمومی و حاکمیت دولت مربوط می شود. لذا هرگونه اقدام قضایی- انتظامی- اجرایی نهادهای قوه یا تحت نظرارت آن بخلاف اصله آنها در مععرض قضاؤ شهروندانی قرار می دهد که آن قوه مکلف به رعایت حقوق آنان شده است.

در این چارچوب، می‌توان دوره های آموزش اخلاق و رفتار حرفة ای قضایی و انتظامی را ویژه قضات و ضابطین تعريف کرد که طی آن حسابت های این مشاغل و الزامات اجتماعی آن به طور تخصصی بیان شود. آموزش قانون و پیام قانون در موارد مرتبط با وظایف قوه قضاییه یا مواردی که قوه قضاییه محروم آن است نیز قابل نشور است. به عنوان مثال اگر قرار است لایحه قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان، تصویب شود، وظایف و رفتارهای جدید که برای قضات و ضابطان در این لایحه تعريف شده است، باید به آنان آموزش داده شود. همچنان که برای پیشگیری از نقض حقوق شهروندی و لطمہ به کرامت انسانی کسانی که تحت عنایون مختلف با دادگستری و به تبع آن ضابطان دادگستری سرو کار پیدا می کنند، پیام و مفاد قانون حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ از تفصیل از نظر ابعاد تئوری و عملی در قالب کارگاههای آموزشی تبیین شود. آموزش مباحث جرم شناسی، حقوق شهروندی، حقوق بشر، بزه دیده شناسی، عدالت ترمیمی و... از این نوع آموزش ها است. البته قوه قضاییه در چند سال اخیر آموزش های حین خدمت را در رشته های مختلف برگزار می کند که امری مطلوب است. اما نتایج این کلاس های آموزشی باید به طور مترقب ارزیابی شود. مشابه چنین دوره های را می‌توان در خصوصی آموزش قوانین یارویه قضایی جدید نیز در نظر گرفت.

\* تعالیٰ حقوق: منظور از پیشگیری کیفری چیست و قوه قضاییه در این راستا چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟ همچنین امروزه پیشگیری از طریق توزیعه اجتماعی مطرح است که شامل نظرارت بر نهادهای خانواده، مدارس و گروه ها و سازمان های اجتماعی است. قوه قضاییه در این دو حوزه چه می‌تواند بکند؟

پیشگیری در سطح ملی ناظر به جرایم عمده‌ای عمومی است که همه شهروندان می‌توانند مرتفع شوند، مثل قتل، ضرب و جرح، سرفت، تجاوز به عنف... چند و چون چنین پیشگیری، نیازمند تصویب لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم است که وظیفه قوه قضاییه را در این خصوص مشخص خواهد کرد.

تعالی حقوق: در قانون برنامه چهارم توسعه، در بحث مبارزه با اعتیاد، «پیشگیری از اعتیاد» نیز مطرح شده است. در قوانین دیگر نیز مثل قانون نیروی انتظامی، قانون وزارت رفاه و تامین اجتماعی یا قانون حفاظت از محیط زیست و مناطق دریایی ایران، نهادها و سازمان‌های مربوطه، به پیشگیری از وقوع جرم به طور کلی، مکلف شده‌اند. مثلاً در بحث محیط زیست، لازم داشته تعداد اسلحه‌های شکاری کاهش یابد. اما در عمل دستگاه‌های اجرایی نسبت به این وظیفه بی‌اعتنای هستند. راه حل چیست؟

دکتر نجفی ابرند آبادی: توجه به امر پیشگیری از جرم توسط نهادهای وابسته یا تحت نظر اقتوه مجریه و قوه قضاییه به طور همزمان در قانون توسعه چهارم و قوانین مشابه، ناشی از معطای بودن قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ است و مادام که قانونگذار در اجرای این بند، قانونی کارشناسانه تصویب نکند، نهادهای غیر قضایی نیز در قالب قوانین متفقون، مکلف به تدارک امر پیشگیری از جرم می‌شوند. این سردر گمی قانونگذار را می‌توان در قانون برنامه چهارم توسعه نیز دید. بدین معنا که از یک سو، پاره‌ای از ظایای پیشگیرانه را در بخش قوه مجریه تعریف و پیش‌بینی کرده است (مثل پیشگیری از اعتیاد، انحراف و آسیب‌های اجتماعی) و از سوی دیگر، ماده ۱۳۰ این قانون، قوه قضاییه را مکلف به تدوین لایحه ای به منظور تمهید ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم، بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، نموده است. به نظر می‌رسد چنانچه تکلیف قسمت اول بند ۵ در قالب لایحه پیشگیری از وقوع جرم توسط مجلس روش شود، بی‌تردید موارد احصاء شده در ماده ۶۷ و ۹۷ این قانون و همچنین قوانین مشابه، در بطن شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم (ماده ۲ لایحه) و نیز سازمان پیشگیری از جرم (ماده ۴ لایحه) به صورت منسجم تعریف و تعیین تکلیف خواهد شد؛ اقدام‌های پیشگیرانه مطالعه شده، یا به صورت مصوبات آن شورا، دارای ضمانت اجرخواهد شد یا به صورت مصوبه مجلس (قانون) توسط نهادهای مختلف اعمال خواهد شد. به عبارت دیگر، نهاد شورای عالی پیشگیری از جرم به مدیریت قوه قضاییه و با مشارکت تنگ‌نمای نهادهای اجرایی و نیز مردم و تشکل‌های مردمی، در استان‌ها و شهرستان‌ها، برای پیشگیری از بزهکاری، راهکارهای مختلف و مناسب تعریف و پیش‌بینی می‌کند. بتایر این برای خروج از این سردر گمی در باب پیشگیری از وقوع جرم در سطح ملی، بهتر است هر چه سریع‌تر قانونگذار تکلیف قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی را مشخص کند که این امر منجر به شکل‌گیری کامل حقوق پیشگیری در ایران نیز خواهد شد. بدین‌جهت است در ارتباط با مطالب این نشست، تحلیل لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم خود می‌تواند موضوع میزگرد مستقل علمی باشد.

دکتر نجفی ابرند آبادی: قسمت اول سوال با بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی پاسخ داده می‌شود. به موجب این بند وظیفه دستگیری، تعقیب، محاکمه و کیفر مجرمین بر عهده قوه قضاییه است. در اجرای این بند، قانونگذار اقدام به تصویب قانون مجازات اسلامی، قانون آینین دادرسی کیفری، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، قانون احیای دادرساهای آینین نامه سازمان زندان‌ها و... کرده است. به موجب این مقررات، مراجع انتظامی و قضایی وقتی می‌توانند اقدام کنند که جرمی ارتکاب باشه باشد. در این جا قوه قضاییه عمده‌ای برای پیشگیری از تکرار جرم اقدام می‌کند. در اجرای قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یعنی اصلاح مجرمان، است که می‌توان به عنوان مثال به ماده ۲۲ و ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی و ۱۴۴ قانون آینین دادرسی کیفری اشاره کرد. در صدر ماده ۲۲ چنین آمده است: «تبديل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد». در بخش قرارهای تأمین، ماده ۱۴۴ قانون آینین دادرسی کیفری چنین قید کرده است که تأمین باید با اهمیت جرم، شدت مجازات، دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم، از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت مزاج، سن و حیثیت او مناسب باشد.

هم چنان که ملاحظه می‌شود هر دو قانون که یکی ماهوی و دیگری شکلی است، قید «مناسب تر» و «منتاسب» را اورده است. از این دو ماده به ترتیب اصل شخصی کردن مجازات جرم و اصل شخصی کردن قرار تأمین برای متهم استنباط می‌شود. چنانچه پیزدیریم مجازات‌ها و حتی قرارها، متنه کننده و اصلاح کننده هستند، تعیین مجازات و قرار تأمین «منتاسب» یا مناسب تر که مستلزم تشکیل پرونده شخصیت برای مجرم و متهم است. منجر به پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرمان خواهد شد. «اصلاح مجرمین» یعنی پیشگیری از تکرار جرم توسط آنان. اما اصلاح مجرمین قبل از هر چیز نیازمند اقدامات جرم شناسانه قضات و زندانیان در مرحل تحقیق، محاکمه و در نهایت مرحله اجرای مجازات است. ماده ۳ آینین نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ نیز قلیل توجه است که مقرر می‌دارد: «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفة‌آموزی، بازپروری و بازسازی‌گاری نگهداری می‌شوند». آن چه بیان شد مربوط به پیشگیری کیفری خاص از جرم می‌شود. اما محکومیت‌های کیفری و اجرای آن‌ها، یعنی اعمال مجازات‌های نسبت به بزهکاران توسط قوه قضاییه، ممکن است نسبت به سایر شهروندان و بزهکاران بالقوه نیز اثر ارعابی و بتایر این بازدارنده داشته باشد (پیشگیری کیفری عام).

در خصوص پرسش دوم، یعنی پیشگیری از جرم از رهگذر توسعه اجتماعی، باید گفت این همان پیشگیری اجتماعی از جرم است که به تعابیری چون پیشگیری اجتماعی جامعه مدار (اصلاح انواع محیط) پیشگیری اجتماعی فرد مدار (تقویت آموزش و پرورش اطفال و نوجوانان...) مطற شده است. این نوع پیشگیری خارج از صلاحیت قوه قضاییه است. یعنی قوه قضاییه تمنی توائد رأساً در این مورد کار زیادی انجام دهد. محدوده و کیفیت اعمال چنین